

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

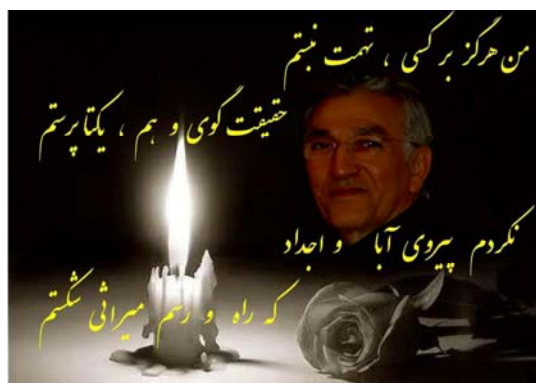
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۰۴ دسمبر ۲۰۱۸



سخنورانِ ماه پاره

ممنون که، دعوتِ من زار شدی
از محفلِ دوستانِ فرهنگ و ادب...
افتاده چاه و برده جبرِ زمان
در مصرِ ادب، چو یوسفِ کنعانی
شکرانه ز لطفِ درگاهِ دوست بجاست
خواهم که به سر دویده حاضر گردم
اعصاب و ز چشم و از مفاصل شکوه
قلبِ فتری و استخوانِ فلزی
از مشکلِ راه و از درازای سفر
از سوی دگر جوازِ رانندگی ام
ورنه به خدا قسم که در خدمت تان
از (صالحه و اهب) و ز (همکارانش)
گر عمر، وفا کند مرا، وقتِ دگر
«نعمت» ز حقایقِ اینچنین کرد رقم

همان سخنورانِ ماه پاره شدی
لطف و کرم و سخای بسیار شدی
هم رونقِ حسن و گرم بازار شدی
آزاده عزیزِ هر خریدار شدی
دور از رسن و ز حلقه و دار شدی
افسوس، علیل و زار و بیمار شدی
چند بار عمل، به بنده تکرار شدی
در قسمتِ این حقیرِ بیچار شدی
شرمنده و خجالتم به ناچار شدی
توقیف، که از چه، تیز رفتار شدی
با نغزِ سروده هام احضار شدی
شکرانه، به من من و به خروار شدی
از فیضِ حضور، بهره بردار شدی
تارنجشِ خاطری، نه درکار شدی

۱۳/۱۱/۲۰۱۸

مخمران ماه ماره

منون که دعوت من زور شد
 همان مخمران ماه پار شد
 وز محفل دوستان فرهنگ و ادب
 لطف و کرم و سخاوت بسیار شد
 و شتاده چاه و، برده جبر زمان
 هم رونق هنر و، گرم بازو شد
 در مصر ادب، چو یوسف کنعانی
 از لوده، عزیز هر خریدار شد
 شکر و زلف در که دوست بجاست
 دور از رس و ز حلقه و دلار شد
 خواهم که به سر دویده حاضر گردم
 و فوس، علیل و زور و بیمار شد
 و عصاب و ز چشم و از مفاصل، شکوه
 چند بار عمل، به بنده تکرار شد
 قلب خرس و استخوان فلز
 در قسمت این حقیر پچار شد
 از شکل راه و از دوازده سفر
 شرمند و محترم به ناچار شد
 از سوس در جوار رونمائی ام
 توقیف، که از چه، تیز رفتار شد
 ورنه بخدا قسم که در خدمت تان
 با نغز سروده، بام و حضار شد
 از (صالحه و لایب) و، ز همکارانش
 شکر و به من و به خرد شد
 گر عمر، وفا کند مرا، وقت دیگر
 از فیض حضور، بهره بردار شد
 «نعمت» ز حقایق این چنین کرد، رقم
 تا رنجش خاطر، نه در کار شد